

## قانون ، وکیل دادگستری و قاضی در ایالات متحده آمریکا

« قبل از ورود بمطلب لازم است توضیح دهم که عنوان این سخنرانی »  
« بزبان انگلیسی » لو-اند-لویر (۱) یعنی قانون و حقوق دان بود که باتوجه به رویه  
« موجود در حقوق انگلیسی که کلمه لویر به وکیل وقاضی هر دو اطلاق میشود »  
« ولی چون در کشور ما بین این دو طبقه تفاوت بسیاری است ما عنوان این مقالات  
« را ( قانون ، وکیل دادگستری وقاضی در ایالات متحده آمریکا ) انتخاب کردیم »  
« ولی متأسفانه در شماره گذشته کیومه بین وکیل دادگستری وقانون در چاپخانه  
« افتاده بود و در نتیجه عنوان مقاله ( قانون وکیل دادگستری وقاضی در ایالات  
« متحده آمریکا ) چاپ شده بود که امیدوارم خوانندگان محترم خود باین موضوع  
« توجه فرموده باشند. »

### تاریخ مشاغل قضائی در آمریکا

اجازه میخوامهم سخنرانی خود را با ذکر مختصری از تاریخ پیدایش

مشاغل قضائی در ممالک متحده آمریکا شروع نمایم .

روزهای اولیه - گرچه بطور کلی کلنی های قاره آمریکا در سالهای  
قرن هفدهم ایجاد گردیدند ولی هر کدام از این کلنی ها یک تاریخ کاملاً جداگانه  
دارند . باید توجه داشت که در اوائل پیدایش این کلنی ها تا مدت درازی بین  
آنها رابطه مستقیم موجود نبود و همچنین بین آنها ومملکت اصلی یعنی کشور اداره  
کننده رابطه بسیار محدودی موجود است بیشتر ساکنین این مستعمرات - با  
کلنی ها و پناهندگان و فراریان بودند که بدلائل مختلف و بعضی بخاطر اینکه  
نظام موجود در انگلیس مورد پسند آنها نبود انگلستان را ترک کرده بودند .  
ساکنین بیشتر قسمت ها عادت به اجرای قوانین انگلیسی نداشته و بطور کلی  
باید گفت آن مردم کمتر متوسل به قانون ومقررات میشدند و بهمین جهت احساس  
میکردند که احتیاج به حقوق دان ندارند . البته دلائل این امر در هر ایالت متفاوت

بود مثلاً در نیویورک بازرگانان مخالف بودند و میخواستند همه چیز در دست خودشان باشد و در پنسیلوانیا کواکرها (۱) نفوذ بسیار داشتند و مانع این کار میشدند . در ماساچوست اولین حکومتی که تشکیل شد یک حکومت مذهبی بود که موافق مقررات انجیل مقدس پایه گذاری شده بود و هر مسئله را با احکام خدائی حل و فصل میکردند نه بوسیله قانون و حقوق اداری . اولین مجموعه قانون در ماساچوست معروف بود به هیکل آزادی (۲) که بوسیله دو نفر کشیش مسیحی از پیروان رویه پورترین ها یعنی دسته‌ای که معتقدند باید آداب ظاهر و احادیث را از مذهب حذف کرد تدوین شده بود . اساسی این دو کشیش عبارت بود از جان و ماتاینلی وارد . وارد قبل از اینکه کشیش شود یک بارستر ( وکیل دادگستری) عضو کانون وکلای لینکلن در لندن بود ولی بعداً بطور کلی منکر قانون شده بود ، شاید این خاصیت بسیاری از همکاران در سرتاسر دنیا باشد . مجموعه مقرراتی که بوسیله این کشیش منتشر شد مقرر میداشت که در هر مورد که قانون آنها ساکت است تصمیم متخذ باید موافق احکام الهی باشد تصدیق میفرمائید تحت چنان شرائطی هیچ محلی برای ابراز وجود وکیل دادگستری نبود ، بعداً در همان قرن تعداد محدودی از افراد اجازه یافتند بعنوان وکیل (۳) بکار مشغول شوند ولی بهر حال تا آخر قرن هفدهم در ماساچوست بهیچ وجه حقوق دان تحصیل کرده و یا تربیت شده پیدا نمیشد که اطلاعات قضائی و علمی در اجرای قوانین داشته باشد ، آن سیستم قضائی که بر پایه مذهب بود بتدریج از بین رفت و با شروع قرن هیجدهم یک تعداد نسبتاً زیادتری از حقوق دانان در ماساچوست پیدا شده بود ولی اینکه آیا این عده اصولاً تحصیل علم حقوق کرده یا خیر و اگر تحصیل کرده‌اند در کجا و به چه ترتیب معلوم نبود . در اواسط قرن هیجدهم عده زیادتری قانون دان در آنجا پیدا میشد عرف چنان بود که اگر مرد جوانی میخواست تحصیل علم حقوق کند و در کار قضائی وارد شود باید برای سالها نزد شخص مجرب کارآموده‌ای کارآموزی نماید ولی بهیچ وجه اداره یا بار یا مجمعی نبود که بر این امور نظارت کند و این جریان را باید چنین تعبیر کرد که مرد جوانی که میخواست حقوق دان شود باید مدت درازی در خانه مرد

۱- Quakers.

۲- Body of Liberties.

۳- Attorney.

پیری که حقوق دان است زندگی کند همانطور که جان آداس در خانه جمز پوتنام زندگی کرد .

در آن زمان تعداد محدودی از ساکنین ماساچوست در کانون های وکلای انگلستان تحصیل علم حقوق کرده بودند که از پیشقدمان آنها باید از بنجامین لیند نام برد که از طرف کانون و کلاء میدل تمپل (۱) در سال ۱۶۹۲ اجازه یافت بوکالت مشغول شود و بعداً وزیر دادگستری ماساچوست گردید همچنین قائم مقام او پول رولی که بعد از او وزیر دادگستری ماساچوست گردید در سال ۱۷۰۰ از کانون وکلای نامبرده جواز وکالت گرفت. دو نسل بعد یعنی سال ۱۷۶۱ چون کاروترا از طرف کانون تمپل اجازه یافت که بوکالت مشغول شود و بهمین ترتیب اشخاص دیگری اجازه وکالت یافتند تمام این اشخاص فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد بودند که دانشگاه مزبور تا آن تاریخ موفق شده بود عده نسبتاً زیادی از افراد تحصیل کرده در منطقه ماساچوست تهیه و تربیت نماید.

### قرن هیجدهم

در آن زمان و در دوران قرن هیجدهم بتدریج بر تعداد وکلای دادگستری و اثر و نفوذ این طبقه در اجتماع تمام کلنی ها اضافه شد و کار آنها بالا گرفت و بطوریکه از نوشته های آن زمان مستفاد میشود در میان آنها جمعی حقوق دانان برجسته بوجود آمدند که امور قضائی را باروش عصر حاضر انجام میدادند تعداد قابل توجهی از جوانان آمریکا که در انگلستان تحصیل کرده بودند اجازه یافتند که عضو کانون وکلای انگلستان بوده ، و در امریکا بوکالت مشغول شوند بطوریکه تعداد این عده از تاریخ ۱۷۶۰ تا زمان انقلاب به ۱۱۵ نفر رسید ، از این عده بیشتر از یک سوم آنها یعنی ۴۷ نفر از ساکنین کارولینای جنوبی و ۲۱ نفر از ویرجینیا و ۱۶ نفر از ماری لاند و ۱۱ نفر از پنسیلوانیا و ۵ نفر از نیویورک و یک یا دو نفر از هر ایالات دیگر بودند ، بیشتر این افراد که دوران کارآموزی خود را در انگلستان گذرانیده بودند بارسترها بودند و از همین جا و همین موضوع عامل جدائی مشاغل قضائی در امریکا گردید زیرا آنهائی که دوران کارآموزی را در انگلستان گذرانده بودند از طرف بارهای انگلستان مجاز بوکالت شده بودند بارستر شناخته شدند و آنها که بوسیله حقوق دانان محلی و تحت نظارت آنها کارآموزی کرده و

در کلتی ها تربیت شده بودند بنام اتورنی شناخته شدند .  
 بموجب مقرراتی که در آن زمان موجود بود یک نفر اتورنی پس از اینکه  
 دو سال در دادگاههای داخلی تجربه میکرد میتواندست عنوان کانسلور بدست  
 آورد و هر کانسلور پس از دو سال تجربه عنوان بارستر بدست میآورد بارسترها  
 لباده و کالت و کلاه گیس به سر میگذاشتند و بموجب اسناد موجود از سال ۱۷۵۱  
 در ماساچوست قضات هم لباس قضاوت و کلاه گیس میپوشیدند و هر یک از این  
 طبقات یعنی قضات و بارسترها لباس و کلاه مخصوص به خود داشتند ، یک تابلو  
 موجود از اندره هایلتون یک قانون دان اهل پنسیلوانیا که بخاطر دفاعش از چون  
 پترز معروفیت یافت گواه بر آنستکه لباس بارسترها عبارت از لباده قرمز حاشیه دار با  
 باند مثل لباس بعضی از کشیشان و کلاه گیس دراز و آویخته بوده است استعمال  
 این نوع لباس ظاهراً تا چند سال بعد از انقلاب هم ادامه داشته است در ویرجینیا  
 یک کانون و کلاه درجه اول و یک کانون و کلاه درجه دوم تا سال ۱۷۸۷  
 موجود است در پنسیلوانیا یک بار درجه دوم با تشکیلات متناسب در محل و در  
 جورجیا یک کانون و کلاهی عالی وجود داشت که اعضاء آن هر کدام میتوانند  
 به تنهایی درسند دادگاه استیناف بنشینند و بدعاوی رسیدگی کنند و این تشکیلات  
 بآن معنی بود که درجه و مقام هر قانون دانی با توجه به کانونی که عضو آن است  
 شاخه میشود .

اولین آئین نامه ای که در سال ۱۷۹۰ بوسیله دادگاه عالی ممالک  
 متحده انتشار یافت مبتنی بر آن بود که تفاوت بین طبقات مختلف حقوق دانان قائل  
 شده بود و بموجب آن کانسلورها و اتورنی ها محدود به امور و حوزه های مخصوصی  
 شدند و هیچکدام هم حق نداشتند در امور همدیگر دخالت کنند و این محدودیت  
 تا سال ۱۸۰۱ ملغی گردید . با وجود اختلاف در عناوین صاحبان مشاغل قضائی  
 در حقیقت هیچوقت در حرفه آنها جدائی وجود نداشته و با وجود اینکه یک کانسلور  
 یا بارستر ممکن بود بیشتر اوقات خود را در محاکم بگذراند ولی هیچوقت کارش  
 محدود به حضور در محاکم نبود و او کاملاً آزاد بود که مستقیماً باموکلین خود  
 تماس داشته و معمولاً هم همین کار را میکردند بهمین جهت تعجب آور نیست که در  
 این اوضاع و احوال تمام کسانی که در امور قضائی تجربه آموخته بودند اجازه و کالت  
 یافتند با وجود اینکه فقط تعداد معدودی از آنان در انگلستان اجازه و کالت داشتند .

عنوان سولیستیور هیچوقت بنام دارنده شغل قضائی در ممالک متحده امریکا استعمال نگرددید و عنوان بارستر هم بتدریج حذف گردید و در جریان زمان حقوق دانان یعنی وکلای دادگستری امریکا به اتورنی و کانلسور معروف شدند بطوریکه امروز شما در سر لوحه هر نوشته مربوط به حقوق دانان و در تابلو در هر مؤسسه قضائی در امریکا این عناوین را میبینید و مجموع این افراد یعنی اتورنی و کانسلورها به اعضاء کانون (بار) معروف شدند و امروز هر قانون دانی در ممالک متحده علاوه بر اینکه باید عضو یک بار باشد از طرف دادگاه مربوط به ایالات محل اقامت خود هم باید اجازه وکالت داشته باشد و بالنتیجه با این ترتیب هم دارندگان مشاغل قضائی مقدار زیادی از استقلال خود را از دست داده اند و هم به مقدار زیاد از دیسپلین آنها و نظارت کانون ها بر اعمال و کلاه کم شده است .

شاید این مطلب بگوش حقوق دانان انگلستان سنگینی کند زیرا آنها فقط خود را عضو کانونی میدانند که در آنجا عضو هستند و امتیازات و اختیارات خود را از آن کانون میداند ولی برای ما این موضوع طبیعت ثانوی شده و درحقیقت قبول کرده ایم که مقدار زیادی از اختیارات باراسوسیشن امریکا از بین رفته است گرچه ما همه عضو بار هستیم به خاطر آنکه از طرف دادگاه مربوط به ایالات خودمان اجازه یافته ایم عضو بار باشیم ولی نمیتوانیم فکر کنیم که بارستر هستیم برای ما این عنوان بطور کلی محو شده است و جز در موارد ادبی و یا در مواردی که مربوط است به بارهای انگلستان عنوانی ندارد .

اثرات انقلاب - حقوق دانان امریکا در زمان انقلاب به منتهای ترقی رسیدند زیرا ۲۵ نفر از ۵۶ نفر امضاکنندگان اعلامیه استقلال و کلاه دادگستری بودند و همچنین در همان اوان ۳۱ نفر از ۵۵ نفر اعضاء کمیسیون تهیه قانون اساسی ۱۷۸۷ وکلای دادگستری بودند که از تعداد اخیر ۵ نفر آنها تحصیل کرده انگلستان بودند اما در جریان انقلاب و پس از آن مقام طبقه وکلای دادگستری بطور قابل توجهی تنزل کرد زیرا بسیاری از آنها طرفدار دولت انگلیس و طبقه حاکمه او مخالف انقلاب شدند و در نتیجه این امر بعضی مجبور شدند مملکت را ترک کرده و یا از شغل وکالت محروم شوند .

وقتی که انگلیس ها بوستون را تخلیه کردند حد اقل ۱۲ نفر از

حقوق دانان ماساچوست به هایفاکس یا به جاهای دیگری خارج از کشور رفتند که بعضی از حقوق دانان معروف مثل ساموئل فنیچ و بنجامین گریدلی و جون آدامس و جیمز پتنام جزو این دسته بودند . بطوریکه قاضی معروف ( واشبرن ) نوشته است در سال ۱۷۷۵ - ۲۶ نفر بارستر و ۱ نفر اتورنی در بوستون موجود بوده ولی برای سایر کلنی ها آماری در دست نیست یک صورت حاکی است که ۲۸ نفر از حقوق دانان سایر ایالات کشور را ترک کرده اند که بدون تردید میتوان این واقعه را یک عقب افتادگی شدید در کاروکالت دادگستری در امریکا دانست .

در سالهای بعد از انقلاب در سرتا سر ایالات دشمنی مخصوص نسبت به هر چیز انگلیسی پیدا شده بود که از جمله قوانین انگلیسی بود - کتابها و جزوات بسیاری در این موارد چاپ و منتشر شده که در آنها این حس دشمنی بنحو بارزی مخصوصاً به وکلاء دادگستری نشان داده شده بود در یکی از این جزوه ها نوشته شده که « از جمله موضوعاتی که گفته میشود این است که ما در دادگاه در حکومت ملی خود قوانین و روشی منحوس انگلیسی بکار بریم چرا باید ممالک متحده بوسیله نظام انگلیسی اداره شود ؟ »

آیا قوانین امپراطوری و اریستوکراتیک انگلیس با اصول آزادی قانون اساسی جمهوری ما توافق دارند ؟ « در نیوجرسی مقرراتی وضع گردید که وکیلی در دادگاه دفاع خود را بر مبنای اصول کامن لویان میکرد جرم محسوب میگردد و همچنین مقررات مشابهی در پنسیلوانیا و کنتاکی بموقع اجرا درآمد یک مورد افراطی از این موارد منتسب است به یک قاضی دادگاه تالی - هامیشیر که در حضور هیئت منصفه و تماشاچیان بیان کرده است و گفته است ( آقایان شما مداخله کردید و شنیدید که در مورد این پرونده این وکلاء رذل و بی شرف چه گفتند آنها صحبت از قانون کردند و میخواهند قانون اجرا شود معلوم نیست چرا ؟ آقایان آنچه لازم است ما داشته باشیم عدالت است نه قانون ، اینها میخواهند کامن لوی یعنی قوانین منحوس انگلیسی بر ما حکومت کند در صورتیکه ما کامن لو ( معنای لفظ کامن لو قوانین عمومی است ) نمیخواهیم و آنچه ما احتیاج داریم کامن سنز ( یعنی احساس عمومی است ) . که میتواند بدرجات راهنمای بهتری باشد . . . . یک سنز سالم و یک قلب پاک و شرافتمند خیلی بهتر از از تمام قوانینی است که وکلاء بان استناد میکنند . . . این وظیفه ما است که



بین طرفین دعوی بعدالت قضاوت کنیم ولی نه بوسیله نیرنگ‌های قوانین که در کتابهای کک و بلا دستون (حقوق دانان انگلیسی) جمع آوری شده است که من هرگز آنها را نخوانده‌ام و هرگز هم نخواهم خواند زیرا معتقدم آن‌ها حرام و ناپاک است» در آن ایام هیچ مجموعه یا رویه قانونی در امریکا موجود نبود اولین مجموعه رویه قضائی در سال ۱۷۸۹ چاپ شد و آن کتاب رویه قضائی سالهای ۱۷۸۵ تا ۱۷۸۸ بود که بوسیله کیریای منتشر گردید در ده سال بعد یک مقدار زیادتری از گزارش کار دادگاه‌ها در دو جلد مربوط بدادگاه‌های دالاس، پنسیلوانیا ورسونت ویرجینیا ونورث کارولینا منتشر گردید تا سال ۱۸۲۰ نزدیک به دویست مجلد از این نوع گزارش کار دادگاه‌ها یعنی رویه قضائی موجود بود که با تعبیرات بسیار کمی مشابه کتابها و انتشارات بلاکستون بود و در حقیقت باید گفت که با ترشروئی همان روش را قبول کرده بودیم در سال ۱۷۷۱ بلاکستون در امریکا چاپ شد و نسخ بسیاری بفروش رفت و گفته شد که مقدار زیادی هم از بلاکستون چاپ انگلیس ضمن آنها فروخته شده و بدین ترتیب بلاکستون ملعون و نیرنگ باز نه تنها مورد قبول واقع شد بلکه برای سالهای زیادی بهترین وسیله ارتباط با قوانین انگلیسی بود و بسیار جای خوشوقتی بود که مقدار زیادی از سخنرانی‌های بلاکستون درست مقارن زمان انقلاب ایراد شده بود زیرا آنها بودند که ما را از شر محدودیت‌های انگلیسی نجات دادند، اثرات این انتشارات یعنی نوشتجات بلاکستون بر روی قوانین امریکا غیر قابل احصائیه است.